

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره دوازدهم، شماره اول، پاییز ۱۳۷۵

تحقیق و تتبع در روایت منقول از پیامبر (ص)
«ولدت فی زمن ملك عادل و هو انوشروان»
و اثر آن در ادب پارسی

دکتر شاهرخ محمد بیگی
دانشگاه شیراز

خلاصه

از قول پیامبر (ص) روایتی نقل شده که فرموده اند: «ولدت فی زمن ملك عادل و هو انوشروان» در بررسی متون روایتی اهل جماعت چون: صحاح سته، مسند دارمی، موطأ مالک، مسند حنبل و نیز کتب حدیثی شیعه یعنی: الکافی، من لایحضره الفقیه، الاستبصار، التهذیب، مشخص می شود که چنین مطلبی در آنها مذکور نیست. با توجه بدین منابع و مآخذ و منابع دیگر معلوم می شود که روایت مذکور مجعول است. بر اساس این روایت مجعول شاعران فارسی زبان اشعاری را سروده اند که در این بررسی به ترتیب تاریخی ذکر شده اند.

امقدمه

روایتی منقول از پیامبر اسلام (ص) در ادب فارسی مشهور شده است که: «ولدت فی زمن ملك عادل و هو انوشروان». آنچه که قابل توجه است این است که این حدیث در کتب صحاح سته و مسند دارمی و موطأ مالک و مسند حنبل ذکر نگردیده است^۱ مشهور این است که

این روایت از احادیث موضوعه می باشد. در این مقاله بر آنیم که سیر تاریخی این روایت و اثر آن را در ادب فارسی آشکار نماییم.

این روایت اولین بار در کتاب تاریخ بلعمی ذکر شده است: «ایدون گفت ولدت فی زمن ملک العادل، یعنی انوشیروان آن سال، عام الفیل بود...»^۲ و بعد از چندی در کتابی که موسوم به «ترجمه تفسیر طبری» که یکی از منابع تاریخ بلعمی بوده،^۳ این روایت به صورت مدرج المتن به قرار ذیل نقل کرده است: «اما پیغامبر ما علیه السلام اندر روزگار نوشروان در وجود آمد. چنان که پیغامبر گفت: ولدت فی زمن ملک عادل و هو انوشروان. گفت من اندر زمانه ملکی عادل زادم از مادر، و این ملک داد ده، انوشروان بود و از ملک عجم بود...»^۴ در بررسی تطبیقی با اصل تفسیر طبری در می یابیم که وی در تفسیر خود و ذیل آیات مربوط چنین روایتی را نقل نکرده است.^۵ و حدیثی را ذکر کرده است که به صورت زیر است: «وحدثت عن هشام بن محمد، قال ولد عبدالله بن عبدالمطلب، ابورسول الله، صلی الله علیه وسلم، لاریع و عشرین مضت من سلطان کسری انوشروان و ولد رسول الله، صلی الله علیه وسلم فی سنه اثنتین و اربعین من سلطانه.»^۶ ترجمه این حدیث چنین است از هشام بن محمد برای من حدیث کرده شده که گفت: عبدالله بن عبدالمطلب، پدر رسول الله (ص) در زمانی که ۲۴ سال از سلطنت کسری انوشیروان می گذشت به دنیا آمد و رسول خدا (ص) در زمانی که ۴۲ سال از سلطنت او می گذشت به دنیا آمد. چنانکه ملاحظه می کنید این روایت از زبان پیامبر (ص) نیست و صفت «عادل» نیز در آن ذکر نشده است!

شایان گفتن است که حدیثی بالفظ «ولدت» در کتب اهل جماعت آمده ولی از پیامبر (ص) نیست، بلکه ناقل آن قیس بن مخرمه است: و متن آن این است «ولدت انا و رسول الله (ص) عام الفیل، ففتحن لدان ولدنا مولداً واحداً.»^۷ یعنی من و رسول خدا (ص) در عام الفیل (سالی که ابرهه، با فیل برای تخریب خانه خدا آمد و به عذاب الهی گرفتار شد) زاده شدیم. همسن یکدیگریم و زمان تولد ما یکی است. با توجه به مطالب فوق آشکار می گردد که این مطلب اولین بار در تاریخ طبری از قول شخصی دیگر و نه پیامبر (ص) ذکر گردیده است.

بعد در ترجمه آن، یعنی تاریخ بلعمی، این روایت از قول پیامبر (ص) ذکر گردیده و از آنجا با مقداری تغییر در نخستین تفسیر موجود به زبان فارسی «ترجمه تفسیر طبری» نقل شده است. قابل ذکر است که در قرون بعد نیز این روایت یا معنی آن در کتب مختلفی چه به زبان فارسی یا عربی آمده^۸ که موارد زیر از آن جمله اند:

- | | |
|--------------------------|--------------------------------|
| ۱- غرر اخبار ملوک الفرس | ۱۲- مجمل فصیحی |
| ۲- دیوان منوچهری | ۱۳- تاریخ طبرستان |
| ۳- زین الاخبار | ۱۴- بهارستان جامی |
| ۴- نصیحة الملوك | ۱۵- اخلاق محسنی |
| ۵- دیوان امیر معزی | ۱۶- حبیب السیر |
| ۶- مجمل التواریخ و القصص | ۱۷- بحار الانوار |
| ۷- آداب الحرب و الشجاعة | ۱۸- ناسخ التواریخ |
| ۸- طبقات ناصری | ۱۹- تاریخ ایران |
| ۹- بوستان سعدی | ۲۰- دیوان ادیب الممالک فراهانی |
| ۱۰- تاریخ معجم | ۲۱- تاریخ مفصل ایران |
| ۱۱- زبدة التواریخ | ۲۲- تمدن ساسانی |

۲. مضمون روایت در اشعار شاعران

در این بخش از مقاله شواهدی از مضمون این روایت و عدالت انوشیروان از اشعار پارسی زبان آورده می شود.

فردوسی (۳۲۹-۴۱۶ هـ.ق)

فردوسی در داد و فرهنگ نوشین روان چنین سروده است که:

نشست از بر تخت نوشین روان

بدل شاد و خرم به دولت جوان

خروشی بر آمد ز درگاه شاه
 که هر کس که جوید سوی داد راه
 بیاید به درگاه نوشین روان
 خجسته دلا فروز شاه جهان
 جهانی بدرگاه بنهاد روی
 هر آنکس که بد در جهان داد جوی^۹
 * * *
 بشاه جهان گفت بوزر جمهر
 که ای شاه نیک اختر خوب چهر
 یکی آرزو کرده میوه فروش
 اگر شاه دارد به گفتار گوش
 فرستاده گفتا که این مرد گفت
 که شاه جهان با خرد باد جفت
 یکی پور دارم رسیده بجای
 بفروختن جوید همی رهنمای
 اگر شاه باشد بدین دستگیر
 که این پاک فرزند گردد دبیر
 بیزدان بخواهم همی جان شاه
 که جاوید باید این سزاوار گاه
 بدو گفت شاه ای خردمند مرد
 چرا دیو چشم ترا خیره کرد
 بما بر پس از مرگ نفرین بود
 چو آئین این روزگار این بوده^{۱۰}

فرخی سیستانی (۳۵۰- اوائل قرن پنجم هـ. ق)

به جوی اندرون آب نوشین روان شد

ازین عدل و انصاف نوشین روانی^{۱۱}

عنصری (۳۵۰-۴۳۱ ه.ق)

«عادلی کز بس بزرگی و تمامی عدل او

عار دارد گر حدیث عدل نوشروان کنی^{۱۲}

منوچهری دامغانی (. . . - ۴۳۲ ه.ق)

همی نازد به عهد میر مسعود

چو پیغمبر به نوشروان عادل^{۱۳}

ناصر خسرو (۳۹۴-۴۸۱ ه.ق)

عدل است اصل خیر که نوشیروان

اندر جهان به عدل مسمی شد

* * *

شاد گردی چون حدیث از داد نوشروان کنند

دادگر باش و حقیقت کن که نوشروان تویی^{۱۴}

فخرالدین اسعد گرگانی (. . . - ۴۴۶ ه.ق)

«چه نیک گفت نوشروان عادل

چو پیری زد مرورا تیر بردل

ز پیری این جهان آن کرد با من

که نتوانست کردن هیچ دشمن

بگیتی باز کردم ای عجب پشت

شکست او پشت من آنکه مرا کشت^{۱۵}

امیر معزی (۴۳۸-۵۲۰ ه.ق)

رسول گفت به آخر زمان شهی باشد
 که عدل او بود افزون ز عدل نوشروان
 کنون به عصر تو آید درین زمانه پدید
 هر آنچه داد پیمبر در آن زمانه نشان

* * *

اگر شکر فراوان کرد پیمبر که مولودش
 پدید آمد در ایام شهی عادل چو نوشروان
 کنون که شکر یزدان را بود بر امتش واجب
 که شاهی چون ملک سلطان پدید آورد در کیهان

* * *

ز آنکه هست اندر دل تو داد و دین هر دو بهم
 داد بی دین بود تنها در دل نوشیروان»^{۱۶}

* * *

انوری (. . . - ۵۷۵ ه. ق)

«حکایتی است ز فر تو فرا فریدون
 تشبیهی است ز عدل تو عدل نوشروان»^{۱۷}
 خاقانی (۵۰۰ - ۵۹۵ ه. ق)

هم سبب امن را ایست تو کیقباد
 هم اثر عدل را رای تو نوشیروان
 داور اسلام خاقان کبیر
 عدل را نوشیروان مملکت»^{۱۸}

سعدی (۵۸۹ - ۶۹۱ ه. ق)

مرا طبع ازین نوع خواهان نبود

سر مدحت پادشاه نبود
 ولی نظم کردم به نام فلان
 مگر باز گویند صاحب‌دلان
 که سعدی که گوی بلاغت ریود
 در ایام بسوی کربین سعد بود
 سزد گریه دورش بنمازم چنان
 که سید به دوران نوشین روان^{۱۹}
 عیید زاکانی (. . . - ۷۷۲ ه. ق)

«ز جود و داد تو منسوخ گشت یک باره
 عطای حاتم طائی و عدل نوشروان»^{۲۰}
 وحشی بافقی (۹۲۹-۹۹۱ ه. ق)
 «ز جود و عدل تو در جسم عالم
 روان حاتم و نوشیروان باد»^{۲۱}
 صبا (. . . - ۱۳۲۸ ه. ق)

فتحعلی خان صبا تاریخ به حکومت رسیدن لطف علی خان، آخرین شاه زند را، چنین
 یاد کرده است:

رسم عدالت چو کرد زنده به تاریخ او
 گفت صبا او بود ثانی نوشیروان»^{۲۲}
 که شاعر با تخلص صبا، تاریخ حکومت او را، «او بود ثانی نوشیروان» که به حساب
 ابجد، ۱۲۰۳ ه. می شود، بیان کرده است.
 همای شیرازی (۱۲۱۲-۱۲۹۰ ه. ق)
 به روز رزم چون سام سوار است

به وقت عدل چون نوشیروان است

* * *

گر صیت عدل او به مدائن رسد شود

خون جگر ز دیده نوشیروان روان^{۲۳}

ادیب الممالک فراهانی (۱۲۷۷-۱۳۳۶ ه. ق)

شها ز روی تفکر در آور این ایوان

بخوان حدیث انوشیروان و شاد روان

چنان بکوش در آئین داد تا گویند

به روزگار تو خلق جهان ز پیر و جوان

به دور احمد نوشیروان همی نازد

چنانکه احمد مرسل به دور نوشروان^{۲۴}

فرصت الدوله شیرازی (۱۲۷۱-۱۳۳۹ ه. ق)

شنیده ای سخنان بزرگ مهر حکیم

به روزگار انوشیروان عدل سیر^{۲۵}

ملک الشعرای بهار (. . . - ۱۳۳۰ ه. ش)

تناسخ را دهد قوت همی انصاف تو هر که

به بیند عدل تو گویند که آمد باز نوشروان^{۲۶}

۳. نتیجه

با بررسی متون و منابع حدیث بدین نتیجه می‌رسیم که این روایت در کتب معتبر اسلامی نیامده است. روایت مزبور اولین بار به صورت جعلی در تاریخ بلعمی و بعد از آن با کمی تغییر در نخستین تفسیر موجود به زبان فارسی موسوم به ترجمه تفسیر طبری ذکر شده است. شعرای فارسی زبان بر اساس این روایت اشعاری سروده که اولین آنها منوچهری دامغانی و پس از او

شاعرانی چون امیر معزی و سعدی شیرازی و در قرون اخیر نیز افرادی چون فرصت الدوله شیرازی و ادیب الممالک فراهانی بوده اند. حتی شعرایی چون سعدی، منوچهر دامغانی و امیر معزی، از آن روایت جعلی چنین برداشت کرده اند که نه تنها پیامبر (ص) با این حدیث می خواسته زمان تولد خود را روشن نماید، بلکه بر آن بوده است که اعلام کند که تولدش در زمان انوشیروان، موجب افتخار و سرافرازی پیامبر (ص) هم شده است!

در این تحقیق بر آن بوده ایم که اثبات نمائیم این روایت جعلی است و گرنه در صدد نفی و اثبات عدالت انوشیروان نبوده ایم. چنانچه در باره داد و عدالت انوشیروان گفتاری از خود او به ما رسیده است که «... چنان دانسته ام که سپاسگزاری، گونه ای با گفتار است و گونه ای با کردار و چون در کارها در نگریشتم که کدام نزد خداوند پسندیده تر است، دیدم چیزی که با آن آسمانها و زمین بریاست و کوهها برجا و جویها روان و آفریدگان آفریده و آن راستی و داد است. دیدم که میوه راستی و داد، آبادی سرزمین هاست که مایه زندگی مردم و ستوران و پرندگان و همه جانداران روی زمین باشد...» ۲۷.

منابع و یادداشت ها

۱. رك، و نسنك، أ. ی. الممعجم المفهرس لالفاظ الحدیث . لیدن: مکتبه بریل، ۱۹۳۶
۲. بلعمی، محمد. تاریخ بلعمی. تصحیح محمد تقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۱، ص ۱۰۵۳.
۳. رك، محمد بیگی، شاهرخ. نقد و معرفی: تفسیر طبری. آینه پژوهش، شماره ۶، سال چهارم، ص ۹-۲۱، فروردین - اردیبهشت ۱۳۳۷.
۴. ترجمه تفسیر طبری، ج ۲، به اهتمام حبیب یغمائی. تهران: توس، ۱۳۶۷، ش، ص ۳۴۳.
۵. طبری، محمد. جامع البیان عن تأویل القرآن (تفسیر طبری / جامع البیان عن تأویل آی القرآن). ج ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ هـ، ج ۴، ص ۷۸-۳۷۱.

۶. طبری، محمد. *تاریخ الامم والملوک (تاریخ طبری)*. ج ۲، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷هـ، ج ۲، ص ۱۵۵.
۷. ر.ک. حنبل، احمدبن. *مسند حنبل*. ج ۵، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲هـ، ج ۵، حدیث ۱۷۴۳۴. ص ۲۴۹.
۸. ر.ک. مرزبان، رادعلی. *خسرو انوشیروان در ادب فارسی*. تهران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۶ ص: ۲۷۹، ۳۱۹، ۳۵۹، ۳۹۰-۳۹۹.
۹. فردوسی، *شاهنامه*. ج ۶، تهران: شرکت سهامی کتاب های حیبی، ۱۳۶۳ ابیات ۲۴۵-۲۴۸، ص ۹۱.
۱۰. فردوسی، *شاهنامه*، پیشین، ج ۶، ابیات: ۴۳۲۱-۴۳۳۴، ص ۲۶۰.
۱۱. ر.ک. دهخدا، علی اکبر. *لغت نامه (دهخدا)*. زیر نظر محمد معین. تهران: ۱۳۴۱، حرف ن ص ۸۹۶ ذیل واژه «نوشین روان» و ص ۸۹۸ ذیل واژه نوشین روانی. و نیز در صفحه ۸۷۹ بیت فوق به صورت ذیل به اشتباه فردوسی نسبت داده شده است.
- در ذیل واژه نوش شدن:
- به جوی اندرون آب نوش روان شد
- ازین عدل و انصاف نوشیروانی
۱۲. منبع شماره ۸، صص: ۷۶-۲۷۵.
۱۳. همان.
۱۴. همان.
۱۵. ر.ک. صفا، ذبیح الله. *تاریخ ادبیات در ایران*. ج ۲، تهران: انتشارات سینا، ۱۳۵۲، ص ۳۸۳.
۱۶. منبع شماره ۸، صص ۷۶-۲۷۷.
۱۷. همان، ص ۲۸۱.
۱۸. همان، ص ۲۸۳.

۱۹. خزائلی، محمد. شرح بوستان. تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۳، ص ۷-۵۶.
۲۰. منبع شماره ۸، ص ۲۸۴.
۲۱. همان.
۲۲. حسینی فسائی، حاج میرزا حسن. فارسنامه ناصری. ج ۱، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۷، ص ۶۴۱.
۲۳. منبع شماره ۸، ص ۲۸۵.
۲۴. همان، ص ۸۷-۲۸۶.
۲۵. همان.
۲۶. همان.
۲۷. امام شوشتری، سید محمد علی. دوازده مقاله تاریخی، رفتار نامه انوشیروان بخامه خود او. تهران: چاپخانه ارتش، ص ۳۳۴. این مقاله ترجمه فارسی از کتاب تجارت الامم و تعاقب الهمم ابوعلی احمد بن محمد مسکویه متولد ۴۲۱ است.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
مَوْلَانَا

النَّبِيُّ أَوْلَى النَّاسِ بِأَهْلِ بَيْتِهِ
وَأَوْلَى النَّاسِ بِأَهْلِ بَيْتِهِ

مردی که در شمع آینه که منی در آینه

پرتال جامع علوم انسانی